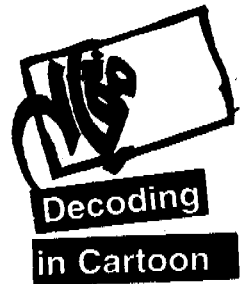


رمزگشایی کارویکاتور



محمدر فیه ضیایی

کارویکاتور، به عنوان یک اثر هنری در تماس با مخاطبان، به طور کلی دارای دو طیف بیننده است: بیننده تحلیل‌گر و بیننده عادی. هنرمند کارویکاتور نیست ناچار به خلق رمزهایی است که این دو طیف بیننده باید آن‌ها را رمزگشایی کنند. باید گفت که هر دو طیف نوعی تفسیر و تحلیل برای دریافت رمزهای کارویکاتور دارند، با این تفاوت که بیننده عادی دارای تحلیل و تفسیر عادی‌تری است و بعضاً نمی‌تواند همه رمزهای به کاررفته را در کارویکاتور دریابد. علاوه بر این، چون خود را متخصص این کار نمی‌داند، به سادگی می‌تواند بگوید درک نمی‌کند، یعنی اقرار کند که نمی‌تواند رمزگشایی کند. اما در نظر بیننده تحلیل‌گر ممکن است تفسیری منطبق بر نظر هنرمند باشد و یا نباشد.

بیننده تحلیل‌گر قادر است براساس یک توافق جمعی به نوعی رمزها را بشناسد. شناخت رمزها بستگی به انتظام نمادها و سمبل‌های آشنا میان هنرمند و بیننده تحلیل‌گر دارد. رمزگشایی، بازخوانی کارویکاتور است. از آن چیزی که هنرمند خواسته است انتقال دهد تا آن چیزی که بیننده می‌تواند دریافت کند.

امروزه، جهان ما پر از رمزهاست و می‌باید «نشانه‌شناسی» وجود این رمزها را مورد بررسی قرار می‌دهد. همین نوشته‌ای که می‌خوانید، در قالب زبانی نوشته شده است که فارسی‌زبانان رمزهای آن را می‌دانند. هنرها از فیلم و موسیقی گرفته تا ادبیات، شامل شعر، داستان و غیره تا نقاشی و کارویکاتور پر از رمزهایی‌اند که مخاطبان باید آن‌ها را بشناسند. این رمزها ممکن است صدا باشند، یا کلمه و نوشته، یا رنگ و نقاشی و یا خط و طرح و سایه و روشن و غیره. برچم نوعی رمز است. اما برچم سرخ و برچم سفید یک رمز نیست، بلکه هر کدام نشانه رمزهای جدا و کاملاً متفاوت‌اند.

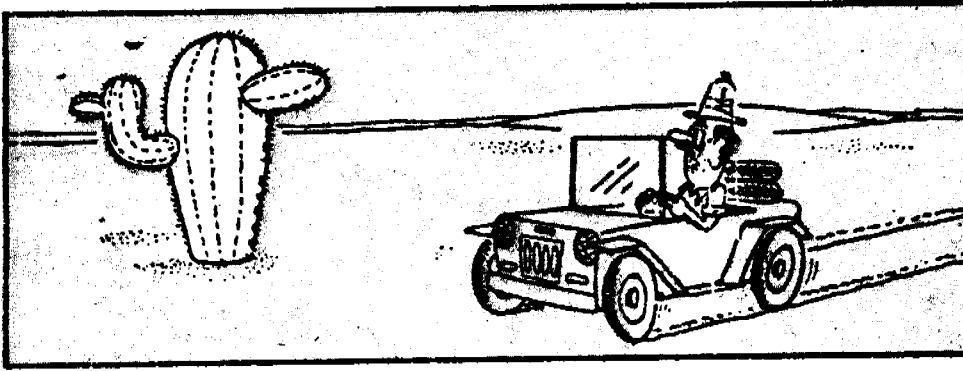
هر کارویکاتوری ممکن است علاوه بر رمزها، دارای خرده‌رمزهای زیادی باشد. شیوه روایی و داستان مانند کارویکاتورها، سبب ایجاد این رمزها و خرده‌رمزها می‌شود. پوشش و لباس، چهره، آرایش چهره، آناتومی بدن، تغییرات در آناتومی بدن، محل زندگی، نمادهای مختلف فصل‌ها، اشیاء به کار گرفته شده در صحنه، تکنیک‌های به‌کار گرفته شده در طراحی، شامل خط، هاشور، رنگ، ترکیب رنگ‌های مختلف، و هزاران نشانه دیگر، هر کدام رمز و یا خرده‌رمزهایی‌اند که می‌تواند پیام‌های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی را منتقل کنند. مجموعه رمزها و خرده‌رمزها، همچون یک پیکان در انتها چنان فعال می‌شوند که حامل پیام کلی کارویکاتور خواهند بود.

آیا همیشه رمزگشایی دقیق صورت می‌گیرد؟ یعنی آن چیزی که موردنظر هنرمند بوده است، به درستی انتقال می‌یابد؟ علوم خاص رمزهای علمی خود را دارند. کشف آن‌ها چندان مشکل نیست کافی است مخاطب دارای تخصص علمی باشد. اما رمزهای هنری به این گونه عمل نمی‌کنند.

ابهام و ابهام از ویژگی‌های نشانه‌های رمزگونه است. رمز برای این رمز است که دارای ابهام است. ابهام رمزها باعث می‌شود که یک بیننده کارویکاتور اثر را در ذهن خود بازآفرینی کند. نوسان بازآفرینی در ذهن بیننده تا جایی است که در مواردی نه تنها به رمز اصلی دست نمی‌یابد، بلکه از درک آن دور می‌افتد. این امر به چه صورتی رخ می‌دهد؟ ممکن است هنرمند از رمزهای به شدت شخصی استفاده کرده باشد. باید گفت که تنها رمزهایی که جمع از پیش می‌شناخته، قابل انتقال است.



یک کارویکاتور ممکن است دارای خرده‌رمزهای مختلف باشد
«کارویکاتور از الف. استرمن»



کاریکاتور بی آزارا

کاریکاتور سیاسی، از «توماس ناست» برای المشا و مبارزه با ویلیام بوس رهبر یک جناح فرتعمد سیاسی اقتصادی نقل از «هارپر هفتگی» چاپ آمریکا.



علاوه بر این، پیش‌آگهی‌ها، پیش‌داوری‌ها و انتظارات اولیه سبب می‌شود که حتی تحلیل‌گر کار هنری نیز در کشف رمزها به خطا برود. در مواردی پیش‌داوری یک اثر هنری به قدری قوی است که بیننده در صدد دریافت آن چیزی است که انتظار دارد، نه آن چیزی که هست. باید در نظر گرفت که هر بیننده خود دارای مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌هاست که در کل دیدگاه او را می‌سازد. پس هر فرد بیننده، یک نفر نیست، بلکه مجموعه‌ای از تجربیات قوم است و یا نوعی اندیشه است.

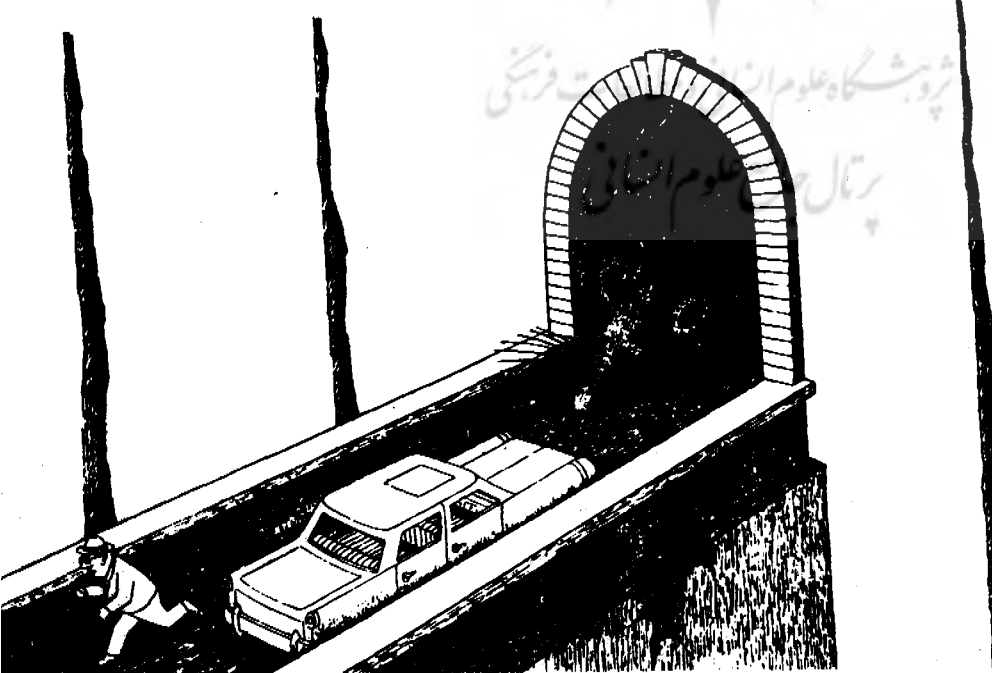
آیا هنرمند خود تولیدکننده قائم به ذات است؟ هنرمند برآیند همه آن چیزهایی است که او در آن‌ها قرار دارد و همه آن چیزها را همگان ساخته‌اند. پس هنرمند دست به خلق یک اثر جمعی می‌زند، اثری که همگان در آن شرکت دارند. هر هنرمندی از مجموعه‌ای از رمزها استفاده می‌کند که قبل از او دیگران بر سر رمز بودن آن توافق کرده‌اند. هنرمند تا کجا می‌تواند به دنیای شخصی خود پناه ببرد؟ در تحلیل شوخ‌طبعی، به لطیفه‌ها و نمونه‌های فکاهی صرفاً خنده‌دار و در کاریکاتور به «gag CAR» می‌گویند!

چرا کاریکاتورهای صرفاً خنده‌دار بی‌آزارند، اما کاریکاتورها سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این‌گونه نیستند؟ کاریکاتورهایی که پیامی جز خندانند ندارند، بنایه هدف خود دیگران را نمی‌آزارند. اما کاریکاتورهای سیاسی به هر جهت کسانی را آزار می‌دهند. سیاست نوعی عملکرد اجتماعی است که بر اساس منافع جمعیتی نظام یافته است. این منافع ممکن است با سیاست جمعیت دیگری منافات داشته باشند. پس هنرمند در هر گروه که باشد، آنچنان باید بیندیشد که جمعیت‌های نظام‌یافته می‌اندیشند و رمزهای قابل قبول آن‌ها را به کار گیرد. رمزهای شخصی رمز جمع نیست. این است که می‌گوییم در این گونه موارد اثر هنری نه تنها قائم به ذات نیست، بلکه تحت تأثیر کلیه عواملی است که به صورت برداشت‌های اولیه، پیش‌داوری و پیش‌آگهی هنرمند را وادار به نوعی جهت‌گیری می‌کنند. عوامل تصویری این جهت‌گیری به گونه‌ای رمز بدل می‌شود که تنها با بررسی عملکرد اجتماعی و سیاسی گروهی که هنرمند به آن وابسته است، قابل تفسیر خواهند بود.

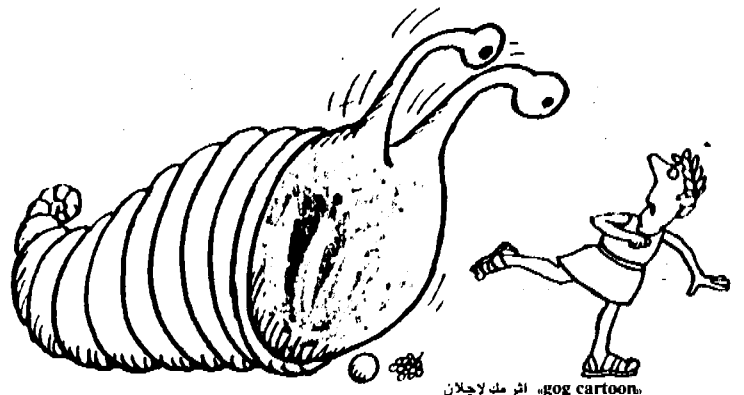
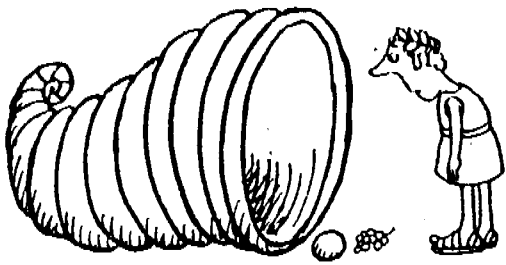
این بحث ناچار به دو دیدگاه زیبایی‌شناسی «عرضه» و «دریافت» ختم می‌شود. هنرمند کاریکاتور را عرضه می‌کند و بیننده آن را دریافت معیار زیبایی‌شناسی هر دو متکی به پیش‌داوری‌های قبلی آنهاست.

کافی است که اشاره کنیم عرضه‌کننده و دریافت‌کننده هر یک در کجا قرار دارند. اگر هر دو در یک طیف باشند، دارای برداشت مشترک از وقایع خواهند بود و اگر در دو طیف مخالف طبعاً نتیجه بر عکس است.

در یک کاریکاتو جهت‌دار سیاسی، آنچه حضور دارد تنها اثر خلاقه کاریکاتوریست نیست، بلکه مجموعه‌ای از باورهای سیاسی است که ممکن است در شکل هنری و یا صرفاً تبلیغاتی ارائه شده باشد. آنچه که این‌گونه تبلیغات را لطیفتر می‌کند، به کاربرد عنصر زیبایی‌شناسی است که می‌تواند تبلیغات مستقیم را در حاله‌ای از شکردهای هنری ببوشاند. اگر اندیشه مستقیم بدون آفرینش ایهام، ابهام رمزها، خرد رمزها و نمادها در هنر انعکاس یابد، اثر هنری نخواهد بود و در بهترین صورت نوعی تبلیغات است. تکرار خواست‌های سیاسی در کاریکاتور، تکرار سوزدهای ملانگیزی است که بنا به جهت‌گیری‌های سیاسی کشید می‌شوند و نه



برای ترک کاریکاتور باید آن را رمزگشایی کنیم.



gog cartoon. اثر مد لاجلان

بر اساس ذوق؟ تخیل هنرمندانه و هر چه تسلط
جهت گیری های جمع زیادتر می شود استقلال هنرمند
فروکش می کند. تا جایی که نمادها، رمزها، اشاره ها،
ایهام و ابهام هایی برای کشف جهت گیری های مقطعی
و زمانی به کار می رود و نه در جهت فضیلت های
والای انسانی.



کاریکاتور سیاسی - هیتلر، استالین، فرانکو و موسولینی در حال
کنسرت جنگ، اثر دیوید لاول



